

توضیح برخی مسایلی از:

مرامنامه و اساسنامه حزب وطن

مصوب مجمع عمومی مؤرخ پنجم میزان سال 1391 خورشیدی

فقیر محمد ودان

فهرست مندرجات

1 - مقدمه

بخش اول :

برخی مسائلی در باره مجمع عمومی حزب وطن

2 - قسمت اول :

تدویر مجمع عمومی حزب وطن (اقدام مشروع در امتداد تاریخی یک رویداد مشروع)

3 - قسمت دوم :

اندیشه سیاسی مصالحه ملی بنیاد فکری مجمع عمومی حزب وطن

بخش دوم :

توضیح برخی مسایل مندرج مرامنامه حزب وطن

4 - قسمت اول :

مرامنامه حزب وطن سند علمی ملهم از اوضاع عینی کشور

5 - قسمت دوم :

جامعه رفاه هدف استراتژیک حزب وطن

6 - قسمت سوم :

حزب وطن نیروی سیاسی ملی ، دموکرات و ترقیخواه

7 - قسمت چهارم :

مسایلی پیرامون اهداف سیاسی حزب وطن

8 - قسمت پنجم :

مسایلی پیرامون اهداف اجتماعی حزب وطن

9 - قسمت ششم :

مسایلی پیرامون اهداف اقتصادی حزب وطن

10 - قسمت هفتم :

مسایلی پیرامون اهداف فرهنگی حزب وطن

11 - قسمت هشتم :

مسایلی پیرامون اهداف حزب وطن در عرصه سیاست خارجی

بخش سوم :

توضیح برخی مسایل مندرج اساسنامه حزب وطن

12 - قسمت اول :

فرکسیون ها : مکانیزم تصحیح و تحرک در حیات حزبی

13 - قسمت دوم :

در باره مسوولیت ها و حقوق اعضای حزب

14 - قسمت سوم :

درباره عملکرد ارگانیک حزب وطن

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

توطنه فروپاشی حزب وطن - این نیروی سیاسی متضمن ثبات نسبی اوضاع کشور - که به تعقیب کودتای 26 حمل 1371 (15 اپریل 1992) تعمیل گردید و در نتیجه توطنه گران امکان یافتند تا بنابر خواست و سناریوی دشمنان خارجی صلح و ثبات کشور ما ، پلان پنج فقره یی صلح سرمنشی ملل متحد را ناکام ، نظام دولتی جمهوری افغانستان را تخریب و قدرت را به گروه های متعدد و متخاصم «جهادی»- این افزار قرون وسطایی غارتگر و مؤظف به ایجاد و تداوم بی ثباتی و بحران - انتقال دهند .

کادرهای وفادار به اهداف و آرمانهای حزب وطن از همان فردای تعمیل توطنه فروپاشی حزب محبوب شان ، تلاش خستگی ناپذیری را آغاز نمودند تا با انسجام مجدد همزمان خویش ، یک بار دیگر حضور فعال آن حزب را در وضعیت سیاسی کشور تدارک نمایند . اینک علی الرغم این تلاشها بعد از سپری شدن مدت بیش از بیست سال از تعمیل توطنه ضد ملی (26 حمل 1371) درست در شانزدهمین سالروز شهادت دوکتور نجیب الله رهبر و بنیادگذار حزب وطن و در روز بزرگداشت از این حماسه (پنجم میزان 1391 خورشیدی) حزب وطن با تدویر مجمع عمومی مشروع خویش ، تصویب مرامنامه و اساسنامه جدید و انتخاب کادر رهبری خود ، حضور مجدد خویش را در وضعیت سیاسی کشور ابلاغ نمود .

در زمینه تداوم بحران عدم حضور مجدد حزب وطن در وضعیت سیاسی کشور ، طی مدت زمان طولانی بیش از بیست سال ؛ چه عواملی دخیل بوده اند ؟

گسترده‌گی ابعاد متعدد توطنه و اهدافی بزرگ ضد افغانی سازمانهای استخباراتی منطقوی و فرامنطقوی و استراتیژی های جغرافیایی - اقتصادی و جغرافیایی - نظامی قدرت های جهانی نهفته در عقب این توطنه ، امتداد زمانی را می طلبید تا در مبارزه و رقابت های درونی ، فرصت دستیابی

به اهداف مورد نظر شان را داشته باشند ، بدین منظور بعد از تعمیم توطئه فروپاشی حزب از داخل ، همه دسایس و لطایف الحیل را بکار بستند و بکار می برند تا در برابر عینیت حضور حزب وطن - این نیروی سراسری با کفایت ، متعهد به منافع و ارزشهای ملی - در وضعیت سیاسی کشور، مقاومت نمایند .

نگهداشتن دوکتور نجیب الله رهبر و بنیاد گذار حزب وطن - برخلاف تمام تعهدات سازمان ملل - در دفتر این سازمان در کابل و سرانجام با نقض خشن مصونیت حریم دفتر مذکور و شهادت دوکتور نجیب الله بدست عمال معلوم الحال سازمان استخبارات نظامی پاکستان ، اساسی ترین حلقه، در امتداد تسلسل این توطئه ها ، محسوب می گردد . آغاز موج خونین از ترور رهبران و کادر های برجسته حزب ، زندانی ساختن توأم با شکنجه های وحشیانه و توهین و تحقیر اعضای آن ، براه اندازی گسترده و ممتد تبلیغات خصمانه و اتهام زنی سازمان داده شده ، تحمیل اجبار فرار بر بخش عظیمی از کادر ها و اعضای این حزب از کشور و پناهگزیین ساختن بی سرنوشت آنان بمنظور پراگندن و به تحلیل رفتن نیروی شان در کشور های مختلف قاره های اروپا ، آسیا ، امریکا و آسترلیا ، توظیف عمال معلوم و مستور جهت تبارز اختلافات گوناگون فکری ، سیاسی و سلیقوی میان کادر رهبری و تحمیل انشعابات گوناگون بوسیله آنان در میان سایر کادر ها و اعضای حزب و در نتیجه تجزیه آن نیروی بزرگ و سرتاسری سیاسی به ساختار های متخاصم کوچک ، دکته پذیر و نامؤثر بر وضعیت افغانستان ، و اینک سنگ اندازی و مقاومت در برابر عینیت انکارناپذیر وجود مجدد این حزب بعد از تدویر مجمع عمومی آن ، حلقه های دیگری در امتداد تسلسل این توطئه ها محسوب میگردند .

اینک حزب وطن در مبارزه حاد با سازماندهندگان این توطئه ها و عمال مشهود و مستور آنان ، یک بار دیگر با آبدیدگی تمام قامت برافراشته و با توجه به تجارب بیست سال دشوار گذشته ، در حالیکه ماهیت و منابع سنگ اندازی های خصمانه را با دقت و هوشیاری تحت نظر دارد ، پروسه سازماندهی گسترش تشکیلاتی خویش را در سرتاسر جغرافیای کشور و در میان افغانهای مقیم خارج با موفقیت آغاز نموده است .

مجمع عمومی حزب وطن گزارش اساسی توضیحی و تحلیلی بی را در موارد مجموع آن مسایل و رویداد های استماع نمود که بعد از کنگره سرطان 1369 به حیات داخلی حزب ، به انکشاف اوضاع کشور و عوامل خارجی مؤثر در آن تعلق داشته ، و مبتنی بر نتیجه گیری های این گزارش ، مرامنامه و اساسنامه جدید خویش را تصویب نمود . با تصویب اساسنامه و مرامنامه جدید حزب ، یک بار دیگر هویت حزب وطن بمثابة حزب مصالحه ملی ، از جانب مجمع عمومی آن تثبیت گردید.

بنابراین تدویر مجمع عمومی حزب وطن رویدادی در امتداد و تداوم تاریخی کنگره سرطان 1369 خورشیدی و همچنان در خط اندیشه بی - سیاسی شهید دوکتور نجیب الله ، با در نظر داشت اوضاع کنونی کشور ، منطقه و جهان محسوب گردیده و مبتنی بر چنین اصولی با تصویب مرامنامه و اساسنامه جدید ، اهداف خویش را معین ، افزار دستیابی به این اهداف را تشخیص و عملکرد سیاسی حزب را تنظیم نموده ، استقامت بخشید.

بخاطر درک گسترده تر از ماهیت این اهداف ، همچنان شناخت بیشتر از افزار و روشهای عملی دستیابی به اهداف متذکره ، ایجاب مینماید تا برخی مسایل و مفاهیم بکار رفته در متن مرامنامه و

اساسنامه حزب وطن ، بیشتر توضیح و تفسیر کردند . باتوجه به رفع چنین ضرورتی ، قسمت های مختلف این مجموعه تنظیم گردیده اند ، امید است در زمینه مؤثر و مفید تمام گردند .

فقیرمحمد ودان

بادهومبورگ - جرمنی

سوم دسامبر 2012

بخش اول

برخی مسایل در باره مجمع عمومی حزب وطن

قسمت اول

تدویر مجمع عمومی حزب وطن

(اقدام مشروع در امتداد تاریخی یک رویداد مشروع)

در مقدمه این مجموعه تاکید گردید که « تدویر مجمع عمومی حزب وطن رویدادی در امتداد و تداوم تاریخی کنگره سرطان 1369 خورشیدی و همچنان در خط اندیشه یی - سیاسی شهید دوکتور نجیب الله ، با در نظر داشت اوضاع کنونی کشور ، منطقه و جهان محسوب گردیده و مبتنی بر چنین اصولی با تصویب مرامنامه و اساسنامه جدید ، اهداف خویش را معین ، افزار دستیابی به این اهداف را تشخیص و عملکرد سیاسی حزب را تنظیم نموده ، استقامت بخشید. »

درک دقیق مسایل فوق ایجاب می مینماید تا به سوال های ذیل پاسخ گفته شود :

1 - چرا و بنابر کدام ضرورت تدویر مجمع عمومی حزب وطن رویدادی در امتداد و تداوم تاریخی کنگره سرطان 1369 محسوب میگردد ؟ .

2 - خط اندیشه یی - سیاسی شهید دوکتور نجیب الله یعنی چی و انطباق آن با اوضاع کنونی کشور ، منطقه و جهان چه مضمونی را افاده مینماید که مبتنی بر چنین اصولی ، اجلاس مجمع عمومی حزب وطن اهداف این حزب را معین ، افزار دستیابی به این اهداف را تشخیص و عملکرد سیاسی حزب را تنظیم نموده و استقامت بخشید ؟ .

در باره مسئله اول :

مجمع عمومی حزب وطن که دایر گردید؛ دقیقاً مجمع عمومی همان حزب وطن است که حضورش را کنگره دوم حزب دموکراتیک خلق افغانستان (سرطان 1369) مطرح نمود؛ با این توضیح که کنگره مذکور با مشروعیت کامل (با شرکت نمایندگان انتخابی اکثریت قریب به اتفاق تمام اعضای حزب، مربوط به همه فرکسیون های موجود تعریف نه پذیرفته و به اتفاق آرای این نمایندگان)، نه تنها استقامت جدید فکری - سیاسی و ساختاری را تائید نمود که با تصامیم و فیصله های پلینوم هژدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز و در کنفرانس سرتاسری 1366 حزب توضیح و تفسیر یافته بود بلکه گذشته حزب دموکراتیک خلق افغانستان را نیز نقد نمود و مبتنی بر آن، ناکامی تاریخی بنیاد های اندیشه یی و عملکرد این حزب در وضعیت موجود اجتماعی - اقتصادی کشور را ابلاغ و یک بار دیگر ضرورت متحول گردیدن ماهیت بنیاد های اندیشه یی و اهداف سیاسی آن را مطرح و با تعریف ماهیت و مضمون این تحول، حزبی با ماهیت جدیدی را معرفی نمود و آن را بنام «حزب وطن» مسما ساخت. این حقیقت از یک طرف تاسیس حزب وطن را طی یک پروسه مشروع صحنه گذاشته و از جانب دیگر این حقیقت را مسجل می سازد که مجمع عمومی حزب وطن، آن عالیترین مقام مشروع و با صلاحیتی است که این صلاحیت از جانب کنگره سرطان 1369 به آن تفویض گردیده است، بدین ملحوظ تلاش بخاطر تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن، نه تنها پروسه یی است در امتداد و تداوم تاریخی یک رویداد مشروع، بلکه تلاش بخاطر تدارک و تدویر یک نهاد مشروع نیز است. با توجه به مسایل اصولی فوق، اجلاس مؤرخ 5 میزان 1391 مجمع عمومی حزب وطن، بمثابه عالی ترین مقام در ساختار تشکیلاتی حزب وطن حق و صلاحیت آن را داشت تا پروسه تاریخی چگونگی تحقق بنیاد های اندیشه یی و عملکرد سیاسی این حزب و گذشته تاریخی آن را، همچنان چگونگی نقش و سهم رهبران، کادر ها و اعضای حزب را درین پروسه تاریخی و نتایج ناشی از آنان را - چه قبل و چه اعتبار از ختم کنگره سرطان 1369 - مورد بحث و بررسی قرار داده، تصامیم اصولی اتخاذ نماید.

حقایق فوق، توأم با اقداماتی که کمیسیون عالی تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن، طی مدت فعالیت خود برای تدویر مجمع عمومی حزب بعمل آورد، هم مشروعیت تاریخی پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن و هم مشروعیت تاریخی خود این مجمع را مبتنی بر معیار های حقوقی و اصول پذیرفته تشکیلاتی، چنان تثبیت نموده است که هیچکس نمیتواند هم در اذهان عامه و هم در محاکم، خلاف آن را تثبیت نمایند.

درپروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن، نمایندگان انتخابی اکثریت قریب به اتفاق تمامی آن اعضای کنونی حزب وطن که داوطلب ایفای نقش خویش درین پروسه بودند، امکان شرکت داشته اند.

قبل از توضیح شیوه های عملی اتخاذ شده از جانب کمیسیون عالی تدارک و تدویر مجمع عمومی، جهت تامین زمینه های اصولی شرکت نمایندگان انتخابی اعضای حزب وطن در پروسه تدارک و تدویر و هم در خود این مجمع، لازم است بنابر وضعیت قبل از تدویر مجمع عمومی حزب وطن (وضعیت ناشی از توطئه فروپاشی ساختارهای تشکیلاتی حزب و نتایج زیانبار توطئه های در تداوم آن) مفهوم «عضو حزب وطن» مبتنی بر اصول پذیرفته تشکیلاتی، تعریف گردد.

عضویت در هر حزب ، منجمله در حزب وطن ، مبتنی بر اصول تشکیلاتی تعریف میگردد . خطوط عمده این اصول که عضویت حزبی اعضای حزب وطن را در آن وضعیت نیز تثبیت مینموند ، عبارتند از :

- اصل داوطلب بودن برای داشتن عضویت حزب وطن .
- پذیرش اصول تشکیلاتی (اساسنامه) حزب و مبارزه بخاطر تطبیق و رعایت آن در حیات حزبی .
- اعتقاد به بنیاد های اندیشه یی و مبارزه در راه دستیابی به اهداف کوتاه مدت و دراز مدت حزب که مبتنی بر بنیاد های متذکره مشخص گردیده اند .
- شرکت فعال در یکی از ساختار های تشکیلاتی منسوب به حزب وطن .

بنابر پابندی فرد به اصول عمده فوق ، عضویت او در حزب وطن تثبیت و او امتیازات حقوقی ، منجمله حق شرکت (مستقیم و یا از طریق انتخاب نماینده خویش) در پروسه تدارک و تدویر و در اجلاس مجمع عمومی را دارا میگردد . بادر نظر داشت اصول تشکیلاتی فوق و وجود عینی وضعیت آن وقت بود که در متن مرامنامه مصوب اجلاس سراسری فعالین تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن ، مؤرخ 8 قوس 1387 (28 نوامبر 2008) که در کابل دایر گردیده بود ، مفهوم «عضو حزب وطن» چنین تعریف گردید :

«سیاست مصالحه ملی ، سیاست استراتژیک «حزب وطن» بود که امروز تشکیلات مؤقت انسجام اعضای حزب وطن ... بمثابه یکی از نیروهای فعال متشکل سیاسی مجهز با این اندیشه ، در استقامت تشکل مجدد اعضای حزب وطن و سایر طرفداران این اندیشه در سازمان سیاسی واحد سرتاسری افغانی و تدویر مجمع عالی [مجمع عمومی] حزب وطن ، تلاش مینماید. برداشت ما از مفهوم «اعضای حزب وطن» نه شکلی ، بلکه عمیق و اندیشه یی است . ما مفهوم «عضو حزب وطن» را به کسانی اطلاق مینمائیم که :

1 - دیروز عضویت حزب وطن را دارا بود و به رهبری توطئه و خیانت در برابر آرمانهای حزب وطن و منافع ملی متهم نشده و یا در صورت وجود چنین اتهامی حاضر است از خویش در مجمع عالی [مجمع عمومی] حزب وطن دفاع نماید.

2 - دیروز عضویت حزب وطن را دارا بوده و به درستی و حقانیت اندیشه مصالحه ملی باور داشت و یا امروز تجربه ، زندگی و گذشت زمان او را به درستی و حقانیت این اندیشه معتقد ساخته است.

3 - دیروز عضویت حزب وطن را دارا بوده و امروز نیز داوطلب است تا زندگی و سرنوشت سیاسی اش را با حزب وطن پیوند دهد.

4 - همچنان ما همراه و هم‌رزم آن عده همفکرانی هستیم که دیروز عضو حزب وطن نبودند اما مبانی اندیشه سیاسی مصالحه ملی و سیاست استراتژیک مبتنی بر آن (سیاست مصالحه ملی) را جهت دستیابی به اهداف مبرم ملی در مرحله کنونی ، معقول و مقبول میدانند و در پرتو آن

جهت تحقق پروسه گذار از جنگ به صلح ، اعمار مجدد و انکشاف اقتصادی - اجتماعی ، ایجاد ؛ تحکیم و گسترش بنیاد های جامعه مدنی در کشور ، داوطلب مبارزه متشکل و مشترک سیاسی اند» .

تعریف فوق از عضو حزب وطن را کمیسیون عالی تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن نیز پذیرفت و آن را در اسناد رسمی خویش درج و در رسانه های قابل دسترس ، منتشر ساخت .

باید گفت که در وضعیت تعریف شده فوق ، اصل «مبارزه متشکل و مشترک سیاسی اعضای حزب وطن» ، صرف از طریق تامین عضویت آنان در یکی از ساختار های انسجامی حزب وطن ممکن و مقدور میگردد . امتیاز عنوان «ساختار انسجامی اعضای حزب وطن» را هیچ یکی از ساختار های انسجامی موجود در آن وقت - اعم از تشکیلات ها ، کمیسیون ها ، کمیته ها و ... اعضای حزب وطن ، در انحصار خویش نداشتند ، بلکه اعضای حزب وطن در هر جائیکه (در داخل افغانستان و یا در سایر کشورها) بودند ، میتوانند و می باید با تشکل شان در حلقات ، محافل و سازمان های منسوب به حزب وطن ، ساختار های انسجامی شان را ایجاد نموده و بدین طریق امکان می یافتند با در نظر داشت کمیت های موجود خویش ، نقش و سهم داوطلبانه شان را با حقوق مساوی (یک فرد یک رای) در پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی و در خود این مجمع ، ایفا نمایند . مطابق به اصول عام پذیرفته شده تشکیلاتی ، نه تنها افراد منفرد و نا متشکل ، تحت هیچ شرایطی مفهوم تعریف شده حزب و در نتیجه عضو حزب را افاده نمی نمایند ، بلکه هیچ شیوه عملی برای ایفای نقش و سهم آنان در پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی و در اجلاس این مجمع وجود نداشته و نمیتوانست وجود داشته باشد . زیرا اگر تصور شود که چندین هزار تن افراد نامتشکلی در آن وقت وجود داشتند که خویشتن را عضو حزب وطن میخواندند ، شرکت و سهم انفرادی مستقیم این تعداد از اعضای حزب وطن در نهاد های مسوول سازماندهی پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی و در اجلاس این مجمع نه ممکن ، نه متصور و نه بخاطری اصولی بود که نسبت پراگندگی و عدم تشکل شان ، وجود حزب و در نتیجه ، عضویت حزب را عینیت بخشیده نمیتوانستند .

باتوجه به توضیحات اصولی فوق ، شرکت داوطلبانه در پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن وظیفه و مسوولیت تاریخی تمام آنده اعضای قبلی حزب وطن بود که از یک جانب هنوز به اهداف و آرمانهای حزب وطن وفادار بوده و به احزاب و سازمانهای دیگر سیاسی نه پیوسته بودند و از جانب دیگر با تشکل داوطلبانه شان در یک ساختار انسجامی حزب وطن ، تدویر مجمع عمومی حزب وطن و بدینوسیله حضور مجدد این حزب را عمده ترین هدف تشکل انسجامی مربوطه شان ابلاغ مینمودند . صرف با تعمیم چنین روشی و مسوولیت پذیری مشترک و داوطلبانه این ساختارهای انسجامی اعضای حزب وطن ، شرکت اصولی هر یک از آنان در پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن ، میتواند کسب مشروعیت نماید .

درین میان تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن نخستین ساختار سیاسی - متشکل از فعالترین بخش از اعضای حزب وطن - بود که سازماندهندگان آن از همان ابتدای تعمیم توطئه فروپاشی حزب ، حتی در همان اجلاس شورای سراسری حزب (مؤرخ 27 حمل 1371 خورشیدی) که توطئه گران جهت صحه گذاشتن بر جنایت شان تدویر نموده بودند ، علیه آنان برخاسته و نگذاشتند آنان شورای سراسری حزب را بمثابه افزار تائید این جنایت شان استعمال نمایند ، همچنان آنها بودند که طی همین 20 سال بعد از توطئه اکثراً بار مسوولیت کار پیگر و علنی تبلیغی و ترویجی را به هدف

افشای توطئه سقوط حاکمیت ، نقش کشورهای خارجی و نیروهای «ستون پنجم» شان درین توطئه بدوش کشیده و به توضیح و تفسیر پیگیر و دوامدار بنیاد های اندیشه یی حزب وطن و انطباق آن در شرایط و وضعیت کنونی کشور پرداختند . افزون بر آن هیچکس منکر آن بوده نمیتواند که این تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن بود که برای نخستین بار نه تنها مسئله تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن را به مثابه اساسی ترین و مبرمترین وظیفه خویش مطرح نمود ، بلکه علی الرغم دسیسه ها و کارشکنی های خصمانه ، همچنان تعلل های آگاهانه و یا هم نا آگاهانه و اشتباهات ، با تشویق مکرر و متداوم توأم با تبارز تواضع و حتی قبول قربانی ، دیگران را باخلوص نیت به انسجام تشکیلاتی مجزا از خویش و شرکت در پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب فراخواند و بدین ملحوظ علی الرغم آمادگی های خودی جهت تدویر مجمع عمومی حزب طی مدت 16 سال بعد از توطئه انفجار حزب از داخل ، 4 سال دیگر انتظار بخرج داد و درین مدت :

- مذاکرات متعدد دوجانبه و چند جانبه را پیش برد ؛

- در کمیون های متعدد ظاهراً متعهد به وحدت مجدد اعضای حزب وطن - که از جانب سایر ساختار های سیاسی و اعضای غیر متشکل حزب وطن تشکیل گردیده بوده اند - کسب عضویت نموده و شرکت فعال و سازنده داشته بود ؛

- جلسات متعدد همگرایی اعضای حزب وطن را سازماندهی نمود و همچنان در همچو جلساتی شرکت فعال داشت که سایر ساختار های سیاسی برخاسته از بدنه حزب وطن ، دایر نموده بودند ؛

- فراخوان ها ، اعلامیه ها و ابلاغیه های متعدد را در رسانه های جمعی به نشر رسانید و طی آنان از اعضای متشکل و غیر متشکل حزب وطن و درین میان از مقام های قبلی حزب وطن جهت شرکت فعال داوطلبانه شان در پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب ، رسماً ، علنی و با نشر رسانه یی آن ، دعوت به عمل آورد ؛

- کمیون عالی و کمیون های محلی تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن را در داخل و خارج کشور ، خود تشکیل نمود ، که با تبارز کوچکترین تمایلات - اگرچه ناپایدار و یا هم مشکوک - این کمیون ها بدون یک لحظه تعلل ، جای خود را به کمیون های مشترک ، تخلیه نمودند . تا بدینوسیله علی الرغم خطرات ناشی از آن ، خلوص نیت خویش را تثبیت و مسوولیت تاریخی خویش را مرفوع نماید .

در تمام اقدامات فوق و در جریان این اقدامات و مراجعات ، تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب بدون هیچگونه قید و شرطی - بجز تعهد به تدویر مجمع عمومی حزب وطن و حضور مجدد حزب به همین نام - به تمامی ادرس ها مراجعه نموده که متاسفانه در مواقع مختلف با بهانه گیری های مختلف مواجه میگردد. ما با هر حلقه و حتی با هر فرد «سرسناس» و مدعی ، درین زمینه حرف های دقیق قابل گفتن داریم.

بنابراین ، اقدامات فوق الذکر و نتایج آنان - که پیوسته و به موقع در رسانه های جمعی به نشر رسیده اند - مؤید رعایت دقیق اصولی اند که سیر مشروع پروسه تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب وطن را صحنه گذاشته اند .

سرانجام تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن با آمادگی تمام جهت تعمیل افتخار آفرین تعهد و ختم رسالت تاریخی خویش در قبال آن ، در آستانه تدویر مجمع عمومی حزب وطن ، طی اعلامیه مؤرخ 4 میزان 1391 خورشیدی (25 سپتامر 2012 ع) انحلال تشکیلاتی خویش را اعلام و اعضای آن بطور جمعی به صفوف حزب وطن پیوسته و نمایندگان انتخابی شان با چنین هویتی ، در مجمع عمومی حزب وطن شرکت نمودند .

خوشبختانه و در نتیجه ، اینک ما شاهد آن هستیم که بعد از مدت بیشتر از بیست سال ، با تدویر مجمع عمومی حزب وطن در پنجم میزان 1391 خورشیدی ، درست در شانزدهمین سالروز حماسه شهادت رهبر و بنیادگذار حزب وطن و به بزرگداشت از این حماسه ، حزب وطن حضور مجددش را در وضعیت سیاسی کشور در حالی اعلام نمود که عینیت وجود آن هنوز هم با توطئه های سازمانیافته یی مواجه است که همه در توطئه سقوط حاکمیت و بیست سال گذشته پر از توطئه ها و موانع ریشه دارند .

قسمت دوم

اندیشه سیاسی مصالحه ملی بنیاد

فکری مجمع عمومی حزب وطن

در رابطه به سوال دوم مطرح شده در قسمت اول این بحث ، تذکار می یابد که : اجلاس مجمع عمومی حزب وطن با اعتقاد به بنیاد های اندیشه یی - سیاسی شهید دوکتور نجیب الله (اندیشه سیاسی مصالحه ملی) اسناد رهنمودی یی را مورد مباحثه و تصویب قرار داد که مبارزه فکری - سیاسی حزب را در امتداد زمانی بلند مدت ، به استقامت اجرای وظایف «گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح» ، بمثابه هدف تعیین شده «استراتژیک» سوق داده ، افزار دسیابی به هدف مذکور را تشخیص ، شیوه ها و اشکال بکاربرد این افزار را در شرایط مشخص کنونی کشور ما - که به علل و دلایل متعدد داخلی ، منطقوی و جهانی در امتداد بیش از 35 سال و هم اکنون نیز ، از فاجعه جنگ رنج میبرد - تعریف نمود .

اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، افزار اندیشه بی جهت دستیابی به صلح در حیات ملی و با در نظر داشت منافع ملی است . بدون درک تعریف علمی صلح ، برداشت از اندیشه سیاسی مصالحه ملی نمیتواند دقیق باشد ، با در نظر داشت تحول تاریخی مفهوم صلح و غنای کنونی این مفهوم ، صلح از دیدگاه اندیشه سیاسی مصالحه ملی : حالتیست منتج از التزام عامل آگاه و خردمند انسانی (افراد ، ساختار های سیاسی و اجتماعی و مراکز علمی و تحقیقاتی) ، به اعتدال در حل تناقض های ضروری در حال بروز میان روند های متغیر و روبه تکامل اقتصادی ، اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی در یک کشور و یا در روابط بین المللی و همچنان در حفظ محیط زیست جوامع مختلف و بهم مرتبط بشری ، بخاطر زیست ممکن باهمی ، طی پروسه قانونمند تاریخی تغییر و تکامل اجتماعی - اقتصادی.

با در نظر داشت مفهوم صلح ، اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، برخلاف تصورات و برداشت های عامیانه از مفهوم «مصالحه ملی» :

- از یک طرف ؛ صرف به انصراف از بکاربرد گرم افزار آتشین جنگ به وسیله طرف های جنگ (آتش بس) ، محدود نشده ، بلکه رفع علل و عوامل اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی جنگ را در ابعاد داخلی ، منطقی و جهانی آن نیز در نظر دارد . با این توضیح که برای حل تناقضات ضرور متبازز شده در عرضه های فوق ، به احتراز از توسل به خشونت و به بکاربرد اعتدال رجحان میدهد .

با درک علمی و عمیق از علل و عوامل فوق الذکر جنگ و بنابر عمق و گستردگی این وظایف بود که شهید دوکتور نجیب الله ، به ضرورت طرح و تکوین اندیشه سیاسی مصالحه ملی بمتابه افزار اندیشه بی - سیاسی دستیابی به هدف استراتژیک گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح ، پی برده تاکید نمود که : «مصالحه ملی سیاست و عمل مؤقت و صرف میکانیزم قطع جنگ نبوده بلکه چنان سیاست چند جانبه بی است که قطع جنگ ، تدارک زمینه های سهمگیری گسترده نیروها در اداره دولت و جامعه ، رشد ، انکشاف و تحکیم اداره انتلافی با پایه های وسیع ، تامین رشد و انکشاف اجتماعی و اقتصادی کشور ، حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان ، تعقیب سیاست بیطرفی فعال در مناسبات خارجی ، طرح و تطبیق سیاست های متعادل اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر واقعیت های عینی جامعه افغانی و طرح تقویت قوای مسلح کشور را شامل می گردد» (1).

- از طرف دیگر ؛ این اندیشه ، صرف مختص به طرف های دخیل در جنگ ، که در برابر همدیگر به استعمال گرم افزار آتشین جنگ می پردازند و یا نیروی (نیروهای) حاکم بر قدرت دولتی و اپوزسیون مسلح آن ، نبوده بلکه تمام نیروهای اجتماعی و سیاسی علاقمند به صلح در عرصه ملی را نیز از لحاظ اندیشه سیاسی پوشش میدهد . بدین ملحوظ ، ادعای که مصالحه ملی صرف میتواند سیاست نیروی (نیروهای) حاکم در قدرت دولتی باشد ، برداشت عامیانه از اندیشه سیاسی مصالحه ملی و یا حد اقل برداشت ناقص و محصور در محدوده سیاست هایی است که مبتنی بر این اندیشه از جانب حزب وطن در موضع حاکمیت قدرت دولتی مطرح میگردد . بدین ملحوظ لازم است توضیح گردد که اندیشه سیاسی مصالحه ملی مانند تمامی اندیشه های سیاسی دیگر ، بنیاد های فکری - سیاسی را برای نیروهای سیاسی هواخواه صلح تدارک مینماید که این نیروها با توجه به این بنیاد ها ، در وضعیت موجود (وضعیت کشور و امکانات خود نیروی سیاسی برای اثرگذاری بر این

وضعیت) ، سیاست های جاری و دورنمایی شان را طرح نموده ، شیوه های تحقق این سیاست ها را تشخیص و افزار تعمیم آنان را انتخاب نمایند . بنابراین مجمع عمومی حزب وطن سیاست های جدید حزب را با در نظر داشت وضعیت کنونی کشور ، منطقه و جهان و محاسبه دقیق نیروها و امکانات خود و سایر نیروهای اثرگذار بر وضعیت کنونی ، فورمولبندی نموده مطابق به آن مبارزه حزب و سایر هموطنان علاقمند به صلح و ترقی را ، سمت داده رهبری مینماید .

- اندیشه سیاسی مصالحه ملی اندیشه رزمنده ، فعال و جانبدار سیاسی است . نیروهای سیاسی معتقد به این اندیشه - از جمله حزب وطن - اهداف سیاسی تامین صلح را با در نظر داشت حفظ منافع ملی ، در برابر خود قرار داده و برای دستیابی به آن فعالانه مبارزه مینمایند . این نیروها بنا بر دیدگاه های فلسفی (فلسفه صلح) و ارزشهای سیاسی و اخلاقی خویش ، معتقد اند که بکار برد شیوه های اعتدال در حل تناقضات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی با قانونمندی طبیعت و جامعه - که بخشی از طبیعت است - مطابقت داشته و بهترین و یگانه راه معقول و خردورزانه محسوب میگردد . بنابراین نه تنها خود چنین روشی را بکار می گیرند ، بلکه مجموع امکانات را بکار میبرند تا سایر نیروهای اجتماعی و سیاسی را به اتخاذ چنین روشی تشویق و یا در صورت ضرورت ، امکاناتی را تدارک نموده و بکار گیرند که آنان را به اتخاذ چنین روشی وادار نمایند .

بدین ملحوظ مفهوم اندیشه سیاسی مصالحه ملی با برداشت عامیانه مغایرت دارد که این اندیشه را اندیشه کاملاً غیر فعال و یا هم صرفاً فعال در حدود مداح صلح ، تصور مینمایند . بسیج ذهنیت های عامه در داخل کشور و در مجامع بین المللی به نفع صلح و سازماندهی و استقامت بخشیدن آن علیه جنگ و جنگ افروزان بوسیله حزب وطن و دولت جمهوری افغانستان و همچنان تشکیل و حضور نیرومندترین و آبدیده ترین قوای مسلح در ساختار دولت جمهوری افغانستان طی سالهای 1365 - 1371 خورشیدی (دولت مصالحه ملی) بمثابة افزار وادار کننده نیروهای جنگ طلب به قبول «مصالحه ملی» ، مؤید این ادعاست . قوای مسلحی که صرف یک توطئه گسترده جهانی و آنهم با استفاده از «ستون پنجمی» های تعبیه شده رنگارنگ کشور های دخیل در توطئه و خرید برخی از عناصر فرصت طلب در وضعیت خاص ، قادر به فروپاشی آن گردیدند .

- جوامع بشری بنا بر قانونمندی های درونی خویش و در بستر پروسه متداوم تغییر و تکامل ، ناگذیر و پیوسته دوچار تناقضات اجتماعی - اقتصادی میگردند . این حقیقت در برابر نیروهای رهبری کننده جوامع مذکور ، بطور متداوم ، وظیفه سوق جامعه و بکار گیری امکانات را جهت حل به موقع و قانونمند این تناقضات ، قرار میدهد .

با درک حقیقت فوق ، نیروهای آگاه و خردورز رهبری کننده جوامع ، پیوسته شیوه ها و افزاری را بکار می گیرند که ماهیت تناقضات متبارز اجتماعی - اقتصادی را به موقع تشخیص نموده ، علل و عوامل بروز آنان را شناخته و برای حل بموقع و قانونمند آنان (صلح آمیز و با رعایت اصل اعتدال) اقدام می نمایند تا پروسه تکامل جامعه پیوسته و به تدریج ؛ بدون برخورد با موانع ، در بستر طبیعی خویش سیر نماید . اندیشه سیاسی مصالحه ملی ، یگانه افزار رهنمای اندیشه یی - سیاسی است که مبارزه نیروهای خرد ورز سیاسی را در گستره مسایل ملی ، به شیوه فوق استقامت میبخشد .

در افغانستان بنابر تسلط دراز مدت نظام های استبدادی و عدم اعتنای آنان جهت حل بموقع و متداوم تناقضات اجتماعی - اقتصادی ، تراکم این تناقضات و عقب نگهداشتن جامعه را باعث گردیده که در نتیجه مجموع روند های درونی (اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی) جامعه و ساختارهای اجتماعی مربوط این روند ها ، به بحران کشیده شده اند . قانون اساسی نظام سلطنتی طی «دهه دموکراسی» (1342 - 1352 خورشیدی) ، که مغایر تمایلات سلطنت ، در نتیجه اوضاع جهانی ، فشار ذهنیت های ناشی از آن و رقابت های درونی سلطنت ، تصویب و نافذ گردیده بود ، با برخورد محافظه کارانه سلطنت مواجه گردید . چنین برخوردی مانع از آن شد که نیروهای سیاسی خرد ورز ملی امکان تشکیل یابند ، بلکه در نتیجه محاسبات نادرست سیاست سازان سلطنتی و زد و بند آنان با برخی قدرت های مؤثر خارجی ، به عوامل ایدولوژیک شده متخاصم راست و چپ افراطی این قدرت ها ، امکان تشکیل بخشیده شد و بدین طریق حضور عناصر ایدولوژیک راست و چپ متخاصم مذکور ، ساختار های سیاسی مربوطه آنان و بالوسيله اثرات حامیان خارجی شان ، در وضعیت سیاسی کشور تامین گردید .

تضاد های درونی دستگاه فرسوده ، ناکار آمد و ناکام سلطنتی ، با سواستفاده یکی از نیروهای ایدولوژیک فوق ، باعث فروپاشی سلطنت از درون گردید که در تداوم خویش ، پیروزی کودتای نظامی ثور 1357 و به قدرت رسیدن ح . د . خ . ا (جناح چپ افراطی اپوزسیون) را در قبال داشت . رویداد اخیر ، باعث تشدید عکس العمل از قبل آغاز شده جناح راست افراطی گردید و این عکس العمل آن وقت امکان گسترش یافت که از یک طرف ح . د . خ . ا به شیوه های خشن جهت حل تناقضات متراکم اجتماعی - اقتصادی در جامعه سنتی افغانستان ، توسل جست و از جانب دیگر حامیان خارجی دو جناح جنگ به مداخلات شان ابعاد جدید بخشیدند . در نتیجه اصلاحات قطع و جنگ ایدولوژیک با خشن ترین شیوه های آن ، منجمله بکار برد پیشرفته ترین انواع جنگ افزار بوسيله جناح های ایدولوژیک متذکره و با حمایت پشتیبانان خارجی این دو جناح متخاصم و حتی با حضور علنی و اعتراف شده و یا هم علنی ولی اعتراف نشده نیروهای نظامی این حمایت کنندگان و به دفاع از منافع آنان ادامه یافت .

تحلیل و تعریف ماهیت ، علل و عوامل این جنگ و بررسی نتایج زیانبار آن بوسيله حلقهات خردورز در درون ح . د . خ . ا تحت رهبری دوکتور نجیب الله باعث طرح و شکل گیری بنیاد های اندیشه سیاسی مصالحه ملی گردید که در بستر مبارزه پر از فراز و نشیب داخل حزبی ، با عقب زدن ایدولوژی مسلط این حزب و تغییر نام آن به «حزب وطن» ، به افزار رسمی اندیشه یی - سیاسی این حزب مبدل و در پروسه هفت ساله تحقق عملی خویش غنا کسب نمود و با دخیل ساختن سازمان ملل در پروسه تعمیم آن ، این اندیشه به اندیشه جهانی جهت حل معضلات کشورهای جنگ زده مبدل گردید .

حقیقت وضعیت کنونی کشور ما ، مبتنی بر ادامه جنگ و استیلاهی فرهنگ مربوط به آن بر مجموع روند های به بنیست کشیده شده اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، ساختار های ممثل این روند ها و در نتیجه اثرات ناگوار این فرهنگ بر روح و روان انسان جامعه ما ، حکم مینماید که هم اکنون نیز اندیشه سیاسی مصالحه ملی بمثابه افزار اندیشه یی - سیاسی گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح ، یگانه افزاریست برای برون رفت کشور از بحران کنونی و سوق آن بسوی صلح ، ترقی و تمدن .

یادداشت ها :

1 - از متن دوکتورین نظامی - دفاعی جمهوری افغانستان ، برگرفته از بیانیه دوکتور نجیب الله رئیس جمهور افغانستان که بروز 5 شنبه مؤرخ اول سرطان 1368 در جلسه وسیع هیئت رهبری قوای مسلح کشور ایراد نمودند و متن آن به زبان پشتو در شماره مسلسل 17780 و خصوصی 75 روزنامه انیس منتشره روز شنبه مؤرخ 3 سرطان 1361 به نشر رسیده است . ترجمه متن از زبان پشتو به دری توسط نویسنده این مجموعه صورت گرفته است .

بخش دوم

توضیح برخی مسایل مندرج مرامنامه حزب وطن

قسمت اول

مرامنامه حزب وطن سند علمی ملهم از اوضاع عینی کشور

یکی از اسناد مهم مصوب مجمع عمومی حزب وطن ، مرامنامه جدید حزب وطن است که متن آن بر بنیاد اندیشه سیاسی مصالحه ملی توأم با توجه به ابعاد مختلف اوضاع شکل یافته جدید کشور و حقایق متبارز پیرامونی آن در منطقه و جهان ، تهیه گردیده و اینک با تصویب آن در مجمع عمومی مبارزه حزب وطن را طی پروسه درازمدت «گذار از فرهنگ جنگ به فرهنگ صلح» و برای دستیابی به چنین هدفی ، استقامت میبخشید . بدین ملحوظ در متن مرامنامه مذکور ، مبارزه حزب وطن - این ساختار سیاسی رزمنده مستقل ملی - معطوف دستیابی به ساختار نظام اجتماعی - اقتصادی جدیدی بر مبنای اندیشه سیاسی مصالحه ملی است که این مسوده مشخصات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی نظام مذکور و همچنان شیوه ها و افزار سیاسی دستیابی به آن را

توضیح مینماید . قبل از بحث پیرامون این مشخصات ، لازم است تا برخی مسایلی توضیح گردند که در تهیه محتوی مرانامه جدید حزب وطن در نظر بوده اند .

نقش و دخالت انسان در پروسه حرکت ، تغییر و تکامل جامعه ، نه تنها این پروسه را از پروسه های حرکت ، تغییر و تکامل ناب طبیعی (بدون دخالت انسان)، متمایز می سازد ، بلکه تداوم پروسه تکامل انسان ، مؤید آن است که او متناسب با ارتقا سطح درک و شناخت خویش از قانونمندی های ساختاری طبیعت و جامعه و چگونگی عملکرد این ساختارها ، بر پروسه های تغییر و تکامل آنان اثر گذاشته و خواسته این پروسه ها را نیز به نفع و مطابق به خواست خویش ، استقامت ببخشد . بدین ملحوظ شخصیت ها ، محافل ، حلقات ، سازمانها ، احزاب ، دولت ها و سایر ساختار های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی - از جمله علمی - متناسب به گستره تاثیرات و توانمندی خویش در تحریک ، استقامت بخشیدن و رهبری اندیشه و عمل کمیت های اجتماعی ، پروسه های تغییر و تکامل اجتماعی را بخاطر دستیابی به نظام های اجتماعی - اقتصادی مطلوب شان سمت و استقامت و محتوی بخشیده و رهبری مینمایند . بنابراین نظام های مشخص اجتماعی - اقتصادی نه محصول عملکرد خود بخودی ، بلکه نتیجه تلاش و مبارزه آگاهانه و هدفمند شخصیت ها ، محافل ، حلقات ، سازمانها ، احزاب و سایر ساختار های سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی خردورز(1) در پروسه عینی حرکت ، تغییر و تکامل اجتماعی است . این بدان معنی است که نظام اجتماعی - اقتصادی جدید - که تاسیس آن در مرانامه مورد نظر است - با اتکا و بر بنیاد واقعیت های موجود مرحله معین از رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه و شاخص های واقعاً موجود این مرحله طراحی شده و تحقق بخشیده می شوند ، نه صرف مبتنی بر علایق ذهنی ، سلیقه ها و خیالات نیروهای معین سیاسی و اجتماعی . این شاخص ها عبارتند از :

- سطح رشد و انکشاف ساختار اقتصادی جامعه ؛ مشخصات عناصر متشکله این ساختار (انواع ، کمیت و حالت ثروت های موجود ، انواع سرمایه ، چگونگی مالکیت و مناسبات میان گروه های انسانی در پروسه تولید ، توزیع و مصرف ، سطح رشد و انکشاف افزار کار و ...) و روند های ناشی از چگونگی عمل و عکس العمل این عناصر، اثرات و نتایج آن .

- نیروهای اجتماعی فعال وابسته به بخش ها و عناصر متشکله ساختار اقتصادی جامعه و سطح رشد و انکشاف شاخص های هویتی این نیروها مبتنی بر منافع اقتصادی آنان .

- گروه های اتنیکی مرحله موجود رشد اجتماعی ، نقش ، سهم و چگونگی تاثیرات این گروه ها بر روند های اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی جامعه .

- مشخصات فرهنگی جامعه بصورت کُل و همچنان خورده فرهنگ ها (ویژه گی های فرهنگی گروه های موجود اتنیکی در جامعه ، گروه های اجتماعی دخیل در پروسه تولید فرآورده های مادی و معنوی ، مشخصات فرهنگی ساکنین مناطق مختلف کشور همچنان مختصات فرهنگی گروه های اجتماعی از لحاظ سنی و جنسی) با در نظر داشت سطح رشد و انکشاف و غنای هر یک از آنان و همچنان اثرات متقابل خورده فرهنگ ها و چگونگی پروسه امتزاج ، انحلال و انتخاب آنان در تشکل عناصر فرهنگ بزرگ و سراسری جامعه (فرهنگ ملی) .

- مشخصات و سطح رشد و انکشاف نظام سیاسی و ساختار های متشکله این نظام اعم از ارگانهای دولتی و اپوزسیون آن و سایر گروه های اثر گذار بر این نظام (اتحادیه های بخش های مختلف اجتماعی دخیل در پروسه تولید ، توزیع و مصرف ، مدافعین حقوق و منافع گروه های مختلف اجتماعی ، ساختار های فرهنگی ، رسانه های جمعی و سایر نهاد های جامعه مدنی) ، چگونگی و ماهیت نظام حقوقی تنظیم کننده عملکرد نظام سیاسی ، عناصر متشکله این نظام و در مجموع منظم روابط و مناسبات اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی میان گروه های اجتماعی و افراد جامعه.

- مختصات روابط و مناسبات خارجی کشور (از جمله با کشورهای همسایه) و تاثیرات متقابل آن در عرصه های مختلف حیات اجتماعی - اقتصادی دوطرف (طرف ها) مبتنی بر معیارهای حقوق بین الدول و ارزشهای حقوقی هریک از این طرف ها، واقعیت موجود این مناسبات ، شاخص های اساسی و چگونگی اثرات آن .

مرامنامه جدید حزب وطن نه تنها با در نظر داشت مشخصات فوق الذکر واقعاً موجود جامعه افغانی در وضعیت کنونی - بدون انصراف و یا نادیده گرفتن ذهنی این واقعیت ها - و تلفیق و ارتباط آنان با واقعیت های بر هم مؤثر منطقه و جهان، تحریر گردیده ، بلکه با در نظر داشت اصل اعتدال (2) و تدریج جهت حل صلح آمیز تناقضات ضرور متبازر در پروسه تغییر و تکامل جامعه ، شیوه ها و افزار سیاسی تغییر و تکامل قانونمند وضعیت موجود را به نظام اجتماعی - اقتصادی مطلوب نیز مشخص ساخته ، مبارزه خرد و رزانه حزب وطن و هواداران آن را جهت دستیابی به چنین نظامی سمت داده و استقامت می بخشد .

بنابراین متن مرامنامه حزب وطن ، سیستم از نظریات و طرح های بهم مرتبط و ارگانیک اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی است برای ساختن یک نظام پیشرفته اجتماعی - اقتصادی ، که می باید این نظام اجتماعی - اقتصادی طی یک پروسه بلند مدت تاریخی و در نتیجه مبارزه آگاهانه حزب وطن و هواداران آن ساخته شود . این خصوصیت جایگاه حزب وطن را با حفظ خصلت ذاتی صلح خواهانه آن ، بمثابة نیروی ترقیخواه ، دموکرات و ملی ، در وضعیت سیاسی کشور تثبیت مینماید .

یادداشت ها :

1 - اندیشه و عملی را که عامل آگاه انسانی (افراد و گروه های اجتماعی) با در نظر داشت جایگاه و اثرات خود در پروسه حرکت ، تغییر و تکامل جامعه جهت دستیابی به اهداف و منافع شان و با توجه به چگونگی ساختار های درونی این پروسه ، قانونمندی های مسلط بر عملکرد این ساختار ها و گرایش های ذاتی آن ، تبارز میدهند ، اندیشه و عمل خردمندانه محسوب می گردند . بنابراین اندیشه و عمل خردمندانه افراد و گروه های اجتماعی نه تابع امیال ذهنی و سلیقوی مستقل آنان از واقعیت ، بلکه می باید تابع واقعیت های عینی و در محدوده این واقعیت ها تبارز نمایند . اندیشه و عملی که از چنین مبانی برخوردار نباشند، خردمندانه محسوب نگردیده ، بنابراین عدم

هماهنگی آن با واقعیت های موجود بحران آفریده و متناسب به توان و گستره خویش نه تنها به پروسه حرکت ، تغییر و تکامل جامعه ، بلکه به عاملین تبارز خویش نیز صدمه میزند .

2 - اصل اعتدال درینجا به مفهوم : شناخت واقعیت های موجود اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی اعم از مساعد و نامساعد ؛ اعتراف به وجود واقعیت های نامساعد ، بادر نظر داشت عمق و گستردگی اثرات آنان در حیات اجتماعی ؛ اجتناب از انکار ذهنیگرایانه این واقعیت ها و یا توسل به شدت و شتاب ، جهت حذف آنان ، بلکه رجحان طرق خرد ورزانه حل تناقضات ضرور متبازز در پروسه تغییر و تکامل جامعه بوسیله نیروهای خردورز اجتماعی ، بکار رفته است .

قسمت دوم

جامعه رفاه هدف استراتژیک حزب وطن

در قسمت قبلی این سلسله تذکار گردید که : «مسوده مرامنامه حزب وطن ، سیستم از نظریات و طرحهای بهم مرتبط و ارگانیک اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی است برای ساختن یک نظام پیشرفته اجتماعی - اقتصادی ، که می باید این نظام اجتماعی - اقتصادی طی یک پروسه بلند مدت تاریخی و در نتیجه مبارزه آگاهانه حزب وطن و هواداران آن ساخته شود . این خصوصیت جایگاه حزب وطن

را با حفظ خصلت ذاتی صلح خواهانه آن ، بمثابه نیروی ترقیخواه ، دموکرات و ملی ، در وضعیت سیاسی کشور تثبیت مینماید .»

قبل از همه می باید تصریح گردد ؛ نظام اقتصادی - اجتماعی «جامعه رفاه» همان نظام پیشرفته اجتماعی - اقتصادی یی است که حزب وطن در مرامنامه جدید خود آن را بمثابه هدف استراتژیک خود مطرح نموده و میخوهد که از طریق تحریک و استقامت بخشیدن حرکت سیاسی هموطنان افغان و رهبری این حرکت ، جهت دستیابی به ارزشهای آن مبارزه نماید .

به ملحوظ فوق ، نخست میباید به دو سوال اساسی ذیل پاسخهای مختصر ارایه گردد .

1- جامعه رفاه چگونه ساختار اجتماعی - اقتصادی است و مسوده مرامنامه حزب وطن کدام مشخصات را در زمینه مورد نظر دارد .

2- با در نظر داشت تاکید روی مفاهیم : ملی ، ترقیخوا و دموکرات در تعریف ماهیت حزب وطن ، مسوده مرامنامه و اساسنامه حزب وطن به کدام ارزشها توجه داشته است .

در رابطه به سوال اول :

درین زمینه لازم پنداشته می شود تا قبل از همه مفهوم «رفاه» تعریف و توضیح گردد تا از چنین دیدگاهی بتوان به مختصات جامعه رفاه - آنچه که در مسوده مرامنامه حزب وطن مطرح گردیده - توجه معطوف داشت . بنابراین :

رفاه حالتیست فردی و اجتماعی که در نتیجه تدارک و تولید ارزشهای مادی و معنوی - جهت رفع حد اقل نیازمندیهای لازمی و ضروری فردی (معیشتی ، جسمی و روانی) و اجتماعی افراد جامعه - تامین گردیده و با شکل معقول از توزیع این ارزشها و رفع این نیازمندی ها در حیات فردی و اجتماعی ، تحقق می یابد .

در توضیحات فوق مفهوم «حد اقل نیازمندی های لازمی و ضرور» ، مفهوم نسبی است که متناسب با پروسه رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی یک جامعه مدرن ، حدود و محتوی آنان نیز گسترش یافته و غنا کسب مینمایند . همچنان تذکار رفع نیازمندی های معیشتی ، جسمی و روانی افراد جامعه ، در تعریف مفهوم رفاه ، خود مؤید آن است که «رفاه» دارای ابعاد مختلف است ؛ این ابعاد عبارتند از :

1- بُعد اقتصادی رفاه ؛ ضرورت های ذیل را ایجاب مینماید :

- حمایت از افراد جامعه در برابر فقر ، یعنی سطح زندگی این افراد نباید به پائین تر

از سطح تعریف شده فقر نزول نماید .

- تدارک کار و اشتغال برای تمامی افراد مساعد به کار .

- تدارک مسکن و سرپناه به هریک از افراد هموطن .

- ایجاد سیستم عرضه خدمات اجتماعی مانند بیمه های صحی ، بیمه های بیکاری ،

بیمه های تقاعد و سایر ساختار های لازمی درین زمینه .

- نهاد های حامی افراد آسیب پذیر ؛ مانند افراد بیکار ، مادران و اطفال بی سرپرست ،

معلولین و معیوبین ، بیماران و غیره .

2 - بُعد سیاسی رفاه ؛ بر بنیاد :

- توسعه و ارتقای درک سیاسی افراد جامعه .

- تأمین و تضمین امنیت سیاسی افراد جامعه .

- تدارک زمینه های مشارکت عمومی افراد جامعه در روند سیاسی .

- کثرت گرایی سیاسی و بر مبنای آن وجود و حضور احزاب و گروه های متعدد فشار

سیاسی .

3 - بُعد اجتماعی رفاه ؛ بر بنیاد :

- تدارک و توسعه روابط و مناسبات سالم میان افراد و گروه های اجتماعی . همچنان تدارک

امکانات جهت رشد، گسترش و تعمیق این روابط و مناسبات .

- تدارک امکانات برای حفظ خانواده و حمایت از حریم آن .

- حمایت از افراد و گروه های اجتماعی آسیب پذیر و اقلیت ها ، در پروسه روابط و مناسبات

اجتماعی .

- تدارک و تضمین اوقات فراغت از کار ، بمنظور استراحت ، تفریح و سایر مشغولیت ها و

مصروفیت های سالم .

4 - بُعد حقوقی رفاه ؛ بر بنیاد :

- تسوید ، تصویب و انفاذ قانون اساسی و سایر قوانین متمم مدنی مربوط به آن جهت تسجیل

ارزش های رفاه فردی و اجتماعی .

- قبول و انفاذ قوانین و کنوانسیون های بین المللی مانند حقوق بشر ، حقوق کودکان ، زنان ،

مادران و کودکان بی سرپرست و سایر گروه های اجتماعی .

5 - بُعد زیستی رفاه ؛ بر بنیاد :

- حفظ و کمک به سلامت جسمی افراد جامعه در مقابل بیماری ها و معلولیت ها .

- حفظ و کمک به سلامت روانی و انکشاف ذهنی افراد جامعه .

- کمک در جهت ارتقای سطح امید و خوشبینی افراد جامعه نسبت به زندگی از طریق ارتقای سطح زندگی و شاخص های مربوط آن .

- حفظ امنیت جان و مال مردم از انواع خطرات ناشی از جنگ ، تجاوز و غارتگری .

با در نظر داشت توضیحات فوق مفهوم «رفاه» ؛ مجموع شرایط و کیفیت هایی را افاده مینماید که نیازهای ضروری فردی و اجتماعی افراد جامعه را در آن حد لازم و ضرور تامین نماید که همه افراد جامعه از زندگی در آن شرایط از لحاظ اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی ، حقوقی و زیستی ، احساس امنیت نمایند .

تعریف و مختصات جامعه رفاه :

در تعریف رفاه نخست روی اصل «تدارک و تولید ارزشهای مادی و معنوی» تاکید و بعد به توزیع این ارزشها به فرد ، فرد از اعضای جامعه اشاره گردیده است ؛ این توزیع می باید قسمی صورت گیرد تا حد اقل سهم هر فرد (بدون آنکه حد اکثر آن - بنابر تفاوت استعداد های ذهنی ، توانایی های جسمی و امکانات افزاری افراد جامعه و تنوع چگونگی سهم این افراد در نظام اجتماعی کار - تحدید گردد) بتواند نیازمندی های ضروری مادی و معنوی او را در همه حالات - از جمله مریضی ، معلولیت ، بیکاری ، کهولت و ... - بمثابة شخصیت حقوقی عضو جامعه ، برآورده سازد .

ارزشهای مادی و معنوی مورد نیاز و متضمن رفاه افراد جامعه و توزیع آن ، بوسیله خود این افراد در چارچوب نظام اجتماعی معین ، صورت می گیرد . این نظام اجتماعی - که متشکل از ساختار های اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی مختص به خود منجمله دولت است - بنام «جامعه رفاه» یاد میگردد . باید گفت که در نظام جامعه رفاه مورد نظر حزب وطن ؛ فرد ، فرد از جامعه ، با در نظر داشت استعداد ذهنی ، توانایی جسمی و امکانات افزاری شان ، بمثابة شخصیت های تعریف شده حقوقی ، در پروسه تدارک و تولید نعمات مادی و معنوی مورد نیاز ، سهم آزادانه گرفته و دولت صرف مسوولیت قانونی سازماندهی پروسه تولید و توزیع را مبتنی بر اصول انتظام ارشادی نظام اقتصادی و احترام به آزادی فردی ، بعهده دارد . پس دولت بمثابة نهاد سیاسی مسوول سازماندهی امور فوق ، موظف است نیرو و استعداد افراد جامعه را تحریک و سازماندهی نموده و بکار اندازد تا در نتیجه امکاناتی تدارک و توزیع گردند که «حد اقل نیازمندی های ضروری» افراد جامعه را رفع ، رفاه آنان را تامین و تداوم آن را تضمین نمایند . با بیان ساده میتوان گفت که در جامعه رفاه ؛ به هر فرد ، هر خانواده و در مجموع به تمام جامعه امکان فراهم میگردد تا با در نظر داشت سطح رشد اجتماعی - اقتصادی جامعه ، بتوانند نیاز های ضروری شان را در عرصه های ذیل تامین نمایند :

- امکان وجود سرپناه و توانایی مالی برای خرید مجموع کالاهای «ضروری» و «مورد نیاز» ، اعم از خوراک ، پوشاک و سایر افزار برای پیشبرد زندگی در حدود متذکره و در طول حیات خویش اعم از طفولیت ، جوانی و کهولت ، همچنان در حالات داشتن کار ، بیکاری ، مریضی ، تقاعد و

- تامین و تضمین صحت افراد جامعه از طریق تاسیسات صحت عامه ، بیمه ها و سایر نهاد های اجتماعی .

- تامین امنیت فیزیکی افراد جامعه ، مجموع دارایی ها و ملکیت های شخصی آنان .

- تضمین حفظ حقوق بشری و تامین مجموع و کامل آزادی های فردی افراد جامعه در عرصه های اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی منجمله در تبارز استعداد های علمی ، هنری ، ادبی ، تخنیکی و سپورتی با در نظر داشت عدم تجاوز به حد و مرز آزادی های مماثل سایر افراد جامعه و تحدید این آزادی ها بوسیله افراد ، گروه های اجتماعی و ساختار های سیاسی منجمله دولت .

مجموع ارزشهای جامعه رفاه از طریق نظام حقوقی مختص به خود آن تعریف و تسجیل شده ، این نظام حقوقی بوسیله دولت تضمین ، از طریق نهاد های جامعه مدنی حمایت و توسط مجموع افراد و تمامی نهاد های جامعه ، منجمله خود دولت ، رعایت میگردد . به همین ملحوظ وجود و حضور ساختار های جامعه مدنی - بمثابه افزار مدافع و حامی ارزشهای جامعه رفاه - جز لازمی و انفکاک ناپذیر جامعه رفاه محسوب میگردد .

جامعه مدنی مجموع ساختار های اجتماعی قانونی و مستقل از دولت اند ، مانند ؛ اتحادیه های صنفی ، سازمانهای اجتماعی جوانان ، زنان ، کهنسالان ، انجمن های فرهنگی ، اپوسیون سیاسی دولت ، همچنان ساختار های مدافع حقوق بشری و رسانه های گروهی و غیره . این نهاد ها از یک طرف نقش شان را در امر جمع آوری ، تنظیم و فومولبندی خواست ها و دیدگاه های بخشهای متعدد جامعه ایفا نموده و از طرف دیگر این خواست ها و دیدگاه ها را حمایت و دفاع نموده ، جهت رعایت و تعمیل در تصامیم و عملکرد نظام سیاسی و اجتماعی منجمله دولت ، به نظام مذکور انعکاس داده و از چگونگی تعمیل آنان بمثابه گروه های اجتماعی فشار نظارت غیردولتی بعمل می آورند . بدین طریق ساختار های جامعه مدنی اصل مشارکت مؤثر احاد و افراد جامعه را در تصمیم گیری های اجتماعی و سیاسی تامین مینمایند . این خصوصیت «جامعه رفاه» را از «دولت رفاه» در دو نقطه ذیل متمایز می سازد .

1 - دولت رفاه به اصل مشارکت مردم در پروسه تدارک امکانات مادی «رفاه» ، توجه نداشته بلکه این امکانات را از منابع عایداتی دیگری - مثلاً نفت - بدست آورده و یک قسمت آن را برای رفع حد اقل نیازمندی های معیشتی افراد جامعه ، به آنان توزیع مینماید .

2 - دولت رفاه به حضور و نقش ساختار های جامعه مدنی و در نتیجه به اثرگزاری مردم بر پروسه تصمیم گیری های سیاسی و تعمیل آن معتقد نبوده ، خود بمثابه ساختار سیاسی «کل اختیار غیر مسوول» ، عمل مینماید .

نمونه های دولت های رفاه را میتوان در برخی از کشورهای نفت خیز عربی ، مشخص ساخت .

در اخیر این بحث لازم است تذکار یابد که : تشکل عناصر ساختاری جامعه رفاه و انسجام ارگاتیک این عناصر ، پروسه پیچیده اجتماعی - اقتصادی است که می باید حرکت جامعه درین استقامت ، بوسیله ساختار های سیاسی و اجتماعی خردورز تحریک گردد ، استقامت بخشیده و رهبری شود .

حزب وطن - بمثابه ساختار سیاسی خردورز ؛ طرفدار ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه و معتقد به نقش ساختار های جامعه مدنی در تامین مشارکت آگاهانه افراد و گروه های اجتماعی درین پروسه - در مقدمه مراننامه خویش قید نموده است که : «حزب وطن با اتکا به

مختصات جامعه افغانی ، وظایف اساسی خویش را در مرحله کنونی ، مبارزه بخاطر استقرار صلح واقعی و عادلانه ، اعمار مجدد ، انکشاف اقتصادی و اجتماعی و به منظور ارتقای سطح رفاه مردم ، تامین پروسه قانونمند خودآگاهی و وحدت ملی ، گسترش و تعمیق دموکراسی قرار داده و در نهایت از پروسه ایجاد ، تحکیم ، گسترش و تعمیق ارزشهای جامعه رفاه در عرصه های زیستی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی حیات جامعه ، دفاع نموده از نقش ساختار های جامعه مدنی به هدف تامین مشارکت آگاهانه مردم درین پروسه ، حمایت مینماید . ما جامعه رفاه را متشکل از افراد آزاد و با حقوق مساوی میپنداریم که آنان در یک نظام اجتماعی مردم سالار و حقوق بنیاد از امکانات برای تامین امنیت و رفاه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی برخوردار گردیده ، حقوق و مکلفیت های قانونی شان را در پروسه زیست باهمی درک و توأم با تبارز فرهنگ عالی و احساس قوی هم وطنی تعمیل نمایند . »

مختصات فوق حزب وطن را به چنان سازمان سیاسی مبدل مینماید که از مجموع عناصر متشکله جامعه رفاه ، بخصوص از منافع افراد و اشخاص کم درآمد ؛ اعم از مزد بگیران عرصه های کار فکری ، هنری ، تخنیکی و جسمی و همچنان از منافع افراد و گروه های آسیب پذیر جامعه ، در تمامی عرصه های حیات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی ، دفاع مینماید .

لازم است این مسئله نیز تذکار گردد ؛ همانطوریکه مدل های موجود جامعه رفاه در کشور های مختلف ، باوجود مشابهت های عام انتظامی ، مختصات متفاوت از همدیگر را دارند و هیچیک از این نظام ها کاپی مدل دیگری محسوب نمی گردند ، مدل مطرح جامعه رفاه در مرامنامه حزب وطن نیز با در نظر داشت مختصات اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی ، سطح رشد و امکانات کنونی کشور مطرح گردیده که صرف میتواند مدل افغانی جامعه رفاه محسوب گردد .